

هادی مجیدی

خشم مدعیان اصلاح طلبی از خشم مقدس مردم از استکبار

اشاره

مرگ بر آمریکا تنها یک شعار سیاسی نیست، بلکه پایه و مبنای جمهوری اسلامی ایران و مقابله انقلاب اسلامی با نظام سلطه است. این شعار، توهین به مردم آمریکا نیست بلکه موضع انقلابی ما را نشان می‌دهد و ترجمه امروزی هیئات منا الذله است؛ زیرا آمریکا نه تنها برای ما بلکه برای بسیاری از مردم جهان تجسم همه رذالت‌ها و خیانت‌هاست. شعار مرگ بر آمریکا محصول عملکرد انقلابی و غیرمحافظة کارانه ملت همیشه در صحنه ایران در مبارزه با نظام استکبار و سلطه و نماد آن یعنی آمریکای شرور و جنگ‌افروز است و همواره سیاست‌های مستگرانه دولت مستکبر، غیرقابل اعتماد و عهدشکن ایالات متحده در قبال جامعه بشری از جمله ایران اسلامی را به گونه‌ای الهام‌بخش و عبرت‌آموز یادآوری می‌کند. متأسفانه امروزه جریان‌هایی این موضع (شعار مرگ بر آمریکا) را مخدوش می‌کنند و خواسته یا ناخواسته به این ریشه عمیق تیش‌ه می‌زنند. جریان‌های لیبرال و متحجر با تنگ‌نظری می‌خواهند موضع استکبارستیزی فراموش شود و پای آمریکا را دوباره به ایران باز کنند و به تعبیر رهبر انقلاب، راه نفوذ غرب را به کشور هموار سازند.

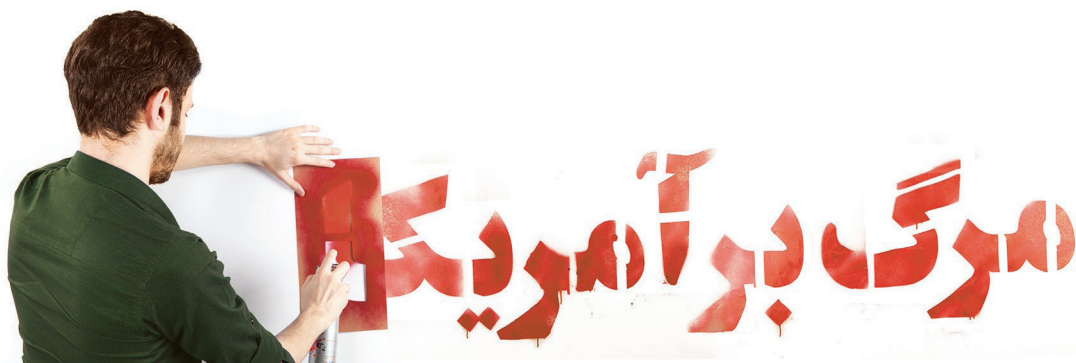
۵۸

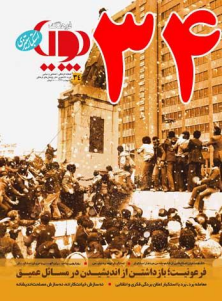
ماهنامه فرهنگ‌پویا / شماره ۳۴

مقدمه

بین‌المللی باشد، بدین معنا که دولت و یا کشوری، سایر جوامع و ملت‌ها را استثمار و به استضعاف بکشاند که نمونه بارز آن در گذشته و حال، اعمال سیاست‌های استعمارگونه و امپریالیستی قدرت‌های بزرگ شرق و غرب در جهان می‌باشد. امروزه در فرهنگ سیاسی دنیا، واژگانی چون "استعمار" و "امپریالیسم" نیز در رساندن مفهوم فوق به کار می‌رود. استکبار جهانی برای دستیابی به اهداف شوم خود از زمینه‌ها و راهکارهایی همچون ایجاد ائتلاف بین مردم کشورهای مستضعف، ترویج فساد و فحشا، منزوی کردن نیروهای کارآمد و متعهد، به‌کارگیری عناصر داخلی وابسته و روشنفکران غرب‌گرا استفاده می‌کند. در هر صورت، اصل وقوع انقلاب اسلامی برای رهایی از یوغ استکبار بود و حفظ آن و همچنین تأمین اهداف و منافع کشور، ادامه این مبارزه را می‌طلبد. عمل به آموزه‌های دین مبین اسلام، حکم عقل و

استکبارستیزی یکی از ابعاد مهم دین مبین اسلام به شمار می‌آید. به عبارتی استکبار یکی از ویژگی‌های ناپسندی است که همواره در جامعه بشری وجود داشته و یکی از مهم‌ترین اهداف و رسالت‌های پیامبران نیز مبارزه با استکبار بوده است. در اصطلاح علوم اسلامی، استکبار در مصداق با واژه‌هایی چون "ظلم" و "طاغوت" همراه است. استکبار از دیدگاه فرهنگ سیاسی اسلام، وجود نوعی سلطه‌گری و سلطه‌جویی و استعمار و بهره‌کشی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی توسط اقلیت معدودی زورگو و نفع‌طلب بر خیل عظیم توده‌های محروم است. این عمل می‌تواند داخلی باشد به همان طریق که یک عده دیکتاتور و زورگو بر ملت‌های محروم تحت سلطه خود حاکمیت داشته و آن‌ها را تحت فشار و ظلم قرار دهند و همچنین می‌تواند





تجاوز

مرگ بر



نوشته شده است، در گرایش آن‌ها به این اندیشه تاثیر بسیار داشت. این گروه با برگزیدن نام اصلاح‌طلبی (نسخه ایرانی مذهب پروتستان) حرکت سیاسی گسترده‌ای را آغاز کردند که انتخاب آقای خاتمی به ریاست‌جمهوری در سال ۷۶ را به دنبال داشت. در دوره وی، فضای فرهنگی برای ترویج تفکر لیبرال دموکراسی گسترش یافت و روزنامه‌های متعددی برای همین منظور منتشر شدند. در این میان، آقای مهاجرانی در جایگاه وزیر ارشاد، سهم چشمگیری برای ترویج این رویکرد داشت. این تفکر بزک‌کرده در ظاهر و خباثت‌آمیز در باطن، چنان شایع شد که حتی برخی مؤمنان را تحت تاثیر قرار داد و متأسفانه کسانی از پایه‌گذاران انقلاب ناخواسته در دام افتادند و مبلغ این جریان شدند.

جریان اصلاح‌طلب از همان ابتدای انقلاب اسلامی نشانه‌های گروه حامل فکر وارداتی را با خود داشت؛ چه آن زمان که در پی دستیابی به عدالت اجتماعی از طریق روش‌های سوسیالیستی و حتی با رگه‌های مارکسیستی بود و چه اکنون که پس از پیوند با گروه‌های فکری لیبرال مسلک و دکردیسی سنگین دهه هفتاد، خود به دنبال دستیابی به توسعه از طریق روش‌های لیبرالی است.

افراد شاخص اصلاحات، تجربه فراوانی در بومی‌سازی تفکرات غربی داشته‌اند. یکی از مهم‌ترین آن‌ها طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها بود که شخص خاتمی آن را برپایه طرح ایجاد دهکده جهانی که پروژه‌های آمریکایی است مطرح کرد. دهکده جهانی، طرحی است که آمریکایی‌ها آن را با هدف حکومت بر جهان مطرح کرده و مدیریت این حکومت واحد را در اختیار خود می‌دانند. کارشناسان آمریکایی در زمان طرح این حکومت واحد جهانی، کشورهای جهان را به سه گروه تقسیم کردند:

گروه اول، کشورهایی که ارزش‌های آمریکایی در کشورشان به ارزش تبدیل شده است.

گروه دوم، کشورهای بیمار که باید برخی تفکرات و ارزش‌ها در آن‌ها اصلاح و ارزش‌های آمریکایی جایگزین شود.

گروه سوم، کشورهای خطرناک که ارزش‌های آمریکایی را قبول ندارند، حتی آن‌ها را ضارزش می‌دانند و خود ارزش‌های دیگری را در جهان طرح می‌کنند.

در این طرح تحقیقاتی، ایران یکی از شش کشور خطرناک شناخته شده و برنامه‌ریزی‌های فراوانی در دهه‌های اخیر برای تغییر حکومت فکری آن صورت گرفته که از حمله و تهدید نظامی آغاز و در سال‌های اخیر به تهدیدهای نرم تبدیل شده است.

ایران در تفکر آمریکایی کشوری است که توانسته تفکر خود را به دو گروه شیعه حزب‌الله لبنان و گروه سنی حماس منتقل کند و دو مهر حساس را

منطق و قانون اساسی، ما را بر آن می‌دارد که در جهت حفظ عزت، استقلال و رعایت منافع کشور خود و همچنین دستیابی به پیشرفت همه‌جانبه و دفاع از حقوق همه ستمدیدگان و مستضعفان جهان، مبارزه با استکبار جهانی را تا سرحد پیروزی نهایی ادامه دهیم.

توجه به استکبارستیزی، نشانه انقلابی‌بودن و پای‌بندی به اصول نظام است و تا زمانی که آمریکا از خوی استکبارستیزی خود دست برندارد، ماهیت شعار مرگ بر آمریکا تغییر نخواهد کرد. استکبارستیزی بیانگر حفظ آرمان‌ها و ارزش‌های دینی انقلاب اسلامی است اما برخی درصددند تا روحیه استکبارستیزی را کمرنگ کنند. آن‌ها همان کج‌اندیشانی هستند که معنای ارزش‌های اسلامی، ولایت‌مداری و آزاده‌یستن را درک نکرده‌اند، کسانی که به دنبال برقراری رابطه و دوستی با آمریکا و درصدد حذف روحیه استکبارستیزی هستند، آن‌ها دلسوز کشور نیستند بلکه خائنان به کشور و انقلاب اسلامی و مردم هستند. در همین راستا می‌توان به تفکرات اصلاح‌طلبی اشاره کرد؛ جریانی که طی سال‌های اخیر از شعارهای ضدآمریکایی در روز ۱۳ آبان تا یادآوری جنایت گسترده کاخ سفید علیه جمهوری اسلامی ایران در سال‌های دفاع مقدس چهره درهم کشیده، حتی به رسانه‌ها و مرتبطان شبکه‌های اجتماعی خود اعلام کرده است که در دوران پساجامی دولت تدبیر و امید باید جلوی ایجاد موج جدیدی از آمریکاستیزی را بگیرند. جالب است حتی تابلوهای "صداقت آمریکایی" که سال گذشته در پایتخت نصب شده بودند، از خشم منتقدان آمریکاترس در امان نماندند و از دیوارهای شهر پایین کشیده شدند!

فراموش نمی‌کنیم که امام راحل (ره) فرموده بودند اگر قدمی عقب‌نشینی کنیم، دشمن ده قدم جلو می‌آید و انفعال ما در مقابل دشمن، توسعه نفوذ و دخالت دشمن را به همراه خواهد داشت. نکته مهم، توجه به استکبارستیزی و بستن راه نفوذ است. رهبر معظم انقلاب بارها و بارها بر لزوم هوشیاری درباره خطر نفوذ آمریکا در کشور و اهمیت مبارزه با استکبار و حفظ روحیه ضداستکباری برای جلوگیری از این نفوذ تأکید کرده‌اند. اما جریانی که با استکبارستیزی حتی در قالب تصاویر هنری هم مخالف است، بیش‌تر به دنبال کمرنگ جلوه‌دادن جنایت‌های آمریکایی و به عبارتی کمرنگ کردن خط‌کشی بین حق و باطل است.

تفکر مدعی اصلاح طلبی

پس از رحلت امام خمینی (ره)، گروه موسوم به جناح چپ به دنبال فکر جدیدی بودند که بتوانند دوباره قدرت سیاسی را به دست آورند. رهبران این گروه به طور عمده از تحصیل‌کردگان علوم جامعه‌شناسی بودند. متأسفانه دروس جامعه‌شناسی ایران که مبتنی بر تفکر و معیارهای لیبرال دموکراسی

ترور

مرگ بر





از اسلام رحمانی و پز صلح‌طلبی است، این‌گونه القا می‌کند که بایستی رویکردها و روش‌ها را تغییر داد. این درحالی است که با نگاهی به سطور مختلف این یادداشت به خوبی می‌توان متوجه شد که نویسندگان در پی خلط مبحث و تغییر اهداف و روش‌ها به طور کلی است. نویسندگان یادداشت با این ادعا که نگاه جهان تغییر کرده است، برگزاری مراسم ۱۳ آبان را ترویج خشونت و تفرقه می‌خواند و خشم خود را از خشم مقدس مردمی که نماد استکبار را در این روز به آتش می‌کشند چنین به قلم می‌آورد: "طبق سنت برگزاری مراسم ۱۳ آبان، ماهیت اکثر شعارها و فریادهایی که طرح‌ریزی و سر داده می‌شود، آکنده از کینه، خشم و نفرت بوده و قبل از آن که متبادرکننده اهداف اولیه و موضوعاتی باشد که این روز، حول آن شکل گرفته، گواه عادت کردن و گرفتار آمدن به مسائلی روتین است که تنها مصرف داخلی دارند. بغرنج‌تر آن که، تحرکاتی از جمله آتش‌زدن پرچم کشورها و توهین و افترا به برخی سرمایه‌های نظام که از سوی قبلی از راهپیمایان صورت می‌گیرد، نمونه تفرقه در داخل و بد دفاع کردن از مواضع بحق مردم و مسؤولان و به‌نوعی نشان دادن چهره‌های خشن و بی‌منطق از نظام در عرصه جهانی است." جالب این‌جاست که نویسندگان بدون توجه به وقایع منطقه و سیاست‌های آمریکا و کشورهای مرتجع برای به آتش کشیدن خاورمیانه و جنگ میان محور مقاومت و تروریسم و استکبار در موضعی کلی که حاکی از فراموشی تاریخ ۱۳ آبان و ماهیت ضد استکباری این روز است، می‌نویسد: "اشوب‌ها و تغییرات ژئوپلیتیک منطقه نیازمند چشم‌انداز روشن‌تر و راهکارهای مرضی‌الطرفینی برای تعامل و همکاری میان جمهوری اسلامی و غرب است."

به هر جهت آن‌چه مشخص است خطی است که از سوی اصلاح‌طلبان در مورد برج‌ها و مغایرت آن با ۱۳ آبان تقویت شده است؛ کسانی که به جای استکبارستیزی در مقابل آمریکا نسخه کرنش را در این روز تجویز کردند و کوشیدند با تزریق فکر آمریکایی در کشورمان، رویکرد و عملکرد غربی را پایه‌ریزی و با عنوان تغییر در سبک و سیاق، برگزاری یوم‌الله ۱۳ آبان را دستخوش تغییر و استحاله کنند. این نمونه‌ای از صدها تفکر اصلاح‌طلبان و کرنش آن‌ها در برابر آمریکا است.

استکبارستیزی امام و رهبری

حضرت امام(ره) در طول مبارزه و حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام اسلامی که نظام استکبار جهانی تمام‌قد در برابر نهضت اسلامی ملت ایران قرار گرفت، آن را بزرگ‌ترین تهدید دانسته ابعاد

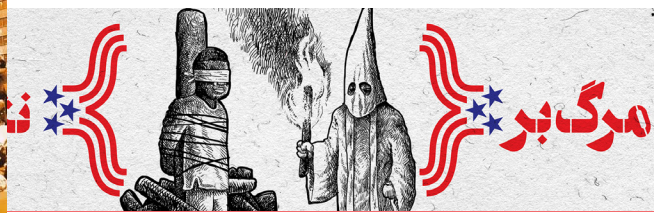
در برابر رژیم صهیونیستی پرورش دهد. البته آمریکایی‌ها خوب می‌دانند که ایران با چه سرعتی در حال گسترش تفکر خود در ۷۰ کشوری است که خودشان آن را گروه دوم یعنی گروه بیمار می‌دانند؛ و از این رو احساس خطر کرده‌اند. چون با ادامه این روند از سوی ایران، تفکر تشکیل دهکده جهانی با محوریت آمریکا به خطر می‌افتد و به‌واقع غیرعملی خواهد شد. بنابراین از سال‌ها پیش، اصلاح‌طلبان در ایران از سوی غرب و آمریکا شناسایی و برای ایجاد انقلاب درونی پشتیبانی می‌شوند.

اصلاح‌طلبان هرچند همچنان خود را خطامامی می‌دانند اما اگر بی‌طرفانه به سیر تغییرات سیاسی، اجتماعی پس‌انقلاب بنگریم درمی‌یابیم که اصلاحات، امتداد خط امام نیست و دوم خردادی‌های دهه هفتاد همان چپی‌های دهه شصت نبوده‌اند؛ چراکه اندیشه‌های این دو جریان هیچ مشابهت و قرابتی به یکدیگر ندارد. خط امام به شاخص‌های اصلی جریان انقلابی از قبیل استکبارستیزی، خودباوری، اعتماد به جوانان، افزایش قدرت اقتصادی (اقتصاد دولتی) و... اعتقاد دارد اما اصلاحات به طور جدی بر اقتصاد باز اصرار می‌ورزد. جناح چپ، خود را به ولایت فقیه آن هم از نوع مطلقه پایبند می‌شناسد ولی بسیاری از اصلاح‌طلبان شاخص اساساً به اصل ولایت با نگاه تردید و شبهه‌افکنی می‌نگریستند که محسن کدیور و اکبر گنجی از آن جمله‌اند. چپ به طور کلی ضدیت با امپریالیسم را به خاطر می‌آورد اما بازماندگان چپی‌ها نگاهی مثبت به دنیای غرب و تعامل با آمریکا و اروپا داشتند.

به طور کلی می‌توان تفکرات اصلاح‌طلبی را در چهار موضوع خلاصه کرد: نخست این که اسلام بسیار محدود است و باید از خارج کمک بگیریم؛ دوم این که اصلاح‌طلبان شعار نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران را سر می‌دهند. سوم این که اصلاح‌طلبان، آمریکا را به‌عنوان قدرت استکباری و ظلم‌خیز قبول ندارند. چهارم این که به اعتقاد اصلاح‌طلبان، ولایت مطلقه فقیه وجود ندارد بلکه ولایت فقیه است.

جریان اصلاحات، خود را پشتیبان ارتباط با آمریکا و در حال حاضر برج‌ها معرفی کرده است. این گروه همیشه کوشیده است با استفاده از تریبون‌هایی که در دست دارد، چه در قالب سخنرانی و چه نوشتاری حمایت خود را اعلان کند. یکی از روزهای مهم در تاریخ کشور ما، ۱۳ آبان روز ملی استکبارستیزی است. جریان اصلاح‌طلب می‌کوشد با مفهوم‌سازی و بیان این که با امضای برج‌ها توسط ایران و شش کشور دیگر، بسیاری از موارد رنگ باخته و درهای دیگری به روی ایران باز شده است، به‌نوعی با وجهه استکبارستیزی این روز و فرهنگ انقلاب مقابله کند. روزنامه قانون که تفکرات این جریان در آن بیش‌تر هویداست، در همین باب در یادداشتی شگفت‌انگیز که التقاطی





انقلاب اسلامی با توجه به این اصل با نپذیرفتن هنجارهای بین‌المللی ساخته شده توسط نظام‌های استکباری، بر وضع رژیم‌های جدید بین‌المللی تاکید کرده و با هدف ایجاد هنجارهای جدید در ساختار بین‌الملل، به دنبال ایجاد رژیم‌های عادلانه جهانی است؛ از این رو ادبیات استکبارستیزی را وارد صحنه بین‌المللی کرده است.

که برگرفته از اندیشه امام راحل است، سرلوحه افکار و اعمالمان قرار دهیم و همواره درصدد دفاع از شرف و اقتدار ملی خود باشیم و بر سخن هوشمندانه و جهت‌بخش مقام معظم رهبری در این باره تاکید ورزیم که فرمود: "هر ملتی اگر تسلیم سلطه قدرت‌های بزرگ عالم شد، از دست رفته است؛ هر ملتی اگر حاضر شد از شرف ملی، اقتدار ملی و اراده ملی خود چشم‌پوشد، در ورطه بی‌پایان وادی‌ای که آخر آن معلوم نیست لغزیده است." رهبر معظم انقلاب در ادامه مسیر تفکرات استکبارستیزی امام راحل (ره)، همیشه بر این اصل پافشاری کرده‌اند و می‌فرمایند: "در مقابل دشمن مستکبر نباید کوتاه آمد بلکه باید نظام اسلامی به حدی از اقتدار، استحکام و مصونیت برسد که دشمنان احساس کنند کاری از دست آن‌ها بر نمی‌آید." ایشان ضمن تاکید بر نهادینه کردن فرهنگ دوری از استکبار فرمودند: "فرهنگ دوری از سلطه استکبار، استکبارستیزی، میل به استقلال و در دست داشتن سرنوشت خود در دل‌های این مردم رسوخ پیدا کرده است. آن‌ها از این ناراحتند. آن‌ها ملتی را می‌خواهند که مثل بزرگ‌رامی آن جا قرار گیرد، این‌ها هم رژیم‌ها را بر او تحمیل کنند، با آن سوی مرزها به او دیکته نمایند؛ آن ملت هم بی‌هیچ مقاومتی آن‌ها را انجام دهد و آن راه را برود. ملت بیدار، ملت هوشیار، ملت آگاه به مسایل سیاسی، ملتی که اگر مسؤولانش هم بخواهند برخلاف این خط مستقیم حرکتی نکنند، اعتراض خواهد کرد؛ این گونه ملتی را این‌ها دوست ندارند..." از این رو اگر می‌بینیم باراک اوباما رئیس جمهور وقت آمریکا برای ملت ما پیام تبریک سال نو می‌فرستد، از این روست که آمریکا از اقدام سخت علیه ما ناامید شده و الا اگر دستش به ما برسد، به بدترین شکل ممکن با ما دشمنی خواهد کرد. این واقعیتی است که قرآن به ما تذکر می‌دهد و تجربه تاریخی هم گواه آن است. آن موقع که آمریکا در ایران نفوذ داشت، به راحتی کودتا می‌کرد، برای سرکوب نهضت انقلابی، به رژیم طاغوتی یاری می‌رساند و بعد از انقلاب هم هر جا که توانست با کمک به صدام یا وضع تحریم و کمک به منافقین و... با ملت ایران دشمنی کرده تمام تلاش‌های استکبار برای این است که از هویت اسلامی خود دست‌بکشیم. در این راه اگر بتوانند تجاوز نظامی می‌کنند و اگر نتوانند از راه‌های فرهنگی و سیاسی دنبال نفوذ در کشور هستند تا روح انقلابی ما را استحاله دهند. پس هر قدم که از خود سستی نشان دهیم و از مواضع اصولی و اسلامی خویش کوتاه بیاییم، آن‌ها برای تعرض جرات بیش‌تری می‌یابند.

پی‌نوشت‌ها

۱. "انما السبیل علی الذین یظلمون الناس"؛ شوری، ۴۲.
۲. "ولقد بعثنا فی کل امه رسولا ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت"؛ نحل، ۳۶.
۳. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، منوچهر محمدی، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۳۳.
۴. اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام خمینی (ره)، کاظم قاضی زاده، ۱۳۷۷، ص ۶۰۹.
5. <http://ghanoondaily.ir/News/63918>.
۶. صحیفه نور، ج ۲۱ ص ۸۸.
۷. همان، ص ۸۱.
۸. سخنرانی مورخ ۱۳۶۷/۴/۱۳.
۹. دیدار با نمایندگان مجلس خبرگان مورخ ۱۳۸۷/۶/۷.
۱۰. دیدار با دانش آموزان و دانشجویان به مناسبت یوم الله سیزده آبان، ۱۳۷۶.



شاخصه‌های دکترین استکبارستیزی را تبیین کردند که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان الاهی بودن سازش‌ناپذیر بودن، دائمی بودن، تهاجمی بودن، تکلیف‌گرایانه بودن، توده‌محور و مستضعف‌محور بودن، برشمرد. حضرت امام (ره) در این باره فرمودند: "ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم." همچنین در جایی دیگر از همان پیام، می‌فرمایند: "ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم؛ و نظام اسلام رسول الله-صلی الله علیه و آله و سلم- را در جهان استکبار ترویج نماییم." بنابراین، دلیل اصلی این که نمی‌توان با دشمنان کافر دوستی کرد این است که آن‌ها نسبت به خدا و رسول، کافر هستند. از این رو مشکل استکبار با ما، در لحن قول نیست. این یک تصور اشتباه است که گمان کنیم اگر در مقابل دشمن، نرمی به خرج دهیم آن‌ها هم کوتاه می‌آیند. آن‌ها از اساس با ما دشمن هستند و این دشمنی به خاطر عقاید ماست. به فرموده حضرت امام (ره) آن‌ها دوست دارند که ما از تمام هویت اسلامی خود دست برداریم. حضرت امام (ره)، بنابر آیات و روایات متعددی که در نفی پذیرش ولایت کفار و مستکبر آمده، آن‌هایی را که به دنبال مذاکره و کنار آمدن با دشمنان خدا هستند، خائن معرفی می‌کند. ایشان با صراحت در نفی هرگونه سازش با استکبار جهانی فریاد برمی‌آورد: "کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهان‌خواران را نمی‌دانیم، ولی هیئات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند... اگر بندبند استخوان‌های مان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده‌زنده در شعله‌های آتش مان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی مان را در جلوی دیدگان مان به اسارت و غارت برند، هرگز امان‌نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم."^{۱۱}

به‌واقع، بنابر جهان‌بینی الاهی حضرت امام (ره) در نظام سلسله مراتبی که نظام سلطه ایجاد کرده است، یا بایستی غلام حلقه‌به‌گوش بود و از خود هویت و باور مستقلی نداشت و همواره در خوف و رجا زندگی کرد و یا آن که راه عزت و مقاومت و ایستادگی را برگزید و به مبارزه با استکبار جهانی روی آورد تا با نابودی آن صلح، امنیت و آرامش را به جهان باز گرداند. حضرت امام (ره) راه دوم را به ملت ایران پیشنهاد کرد که مورد انتخاب ایشان قرار گرفت. از این رو باید فرهنگ استکبارستیزی و دشمن‌شناسی و داشتن خودباوری و استقلال را

